

قرینه‌های سندی نگارش روضه الکافی به دست کلینی

پرویز رستگار*

چکیده

کتاب گرانسنگ *الکافی*، نوشته مرحوم ثقة الاسلام کلینی در چاپ و نمود امروزین خود، سه بخش و هشت جلد است؛ دو جلد نخستش، *اصول الکافی*، پنج جلد بعدی‌اش *فروع الکافی* و جلد پایانی‌اش، گاهی همچنان، *فروع الکافی* و گاهی *روضه الکافی* نامیده می‌شود.

در باره نگارش این جلد پایانی به دست آن محدث امامی مذهب، سخنی که چون جایگاهی در گوش‌ها و جایی در دل‌ها نیافت، چند سده پیش از این، بر زبان یک یا دو تن آمده است که این نوشتار کوتاه دامان، در پی سست نشان دادنش از یک نگاه، از میان چندین و چند نگاه رهگشا و پاسخ دهنده است.

ما در این نوشته، می‌خواهیم با رویارو کردن *روضه الکافی* با هفت جلد دیگر کتاب *الکافی*، رویکرد یگانه کلینی را در اسناد احادیث این مجموعه هشت جلدی و نادرستی ادعای نگارش کتاب *روضه الکافی* را به دست کس یا کسانی، جز این محدث فرهیخته و پیشتاز، نشان دهیم.

کلید واژه‌ها: ابوجعفر کلینی، *روضه الکافی*، خلیل بن غازی قزوینی، اسناد حدیث، ارسال سند، اختصار سند.

درآمد

نوشته ارجمند و گران‌بهای مرحوم کلینی - که با نام *الکافی*، آوازه‌ای بی‌مانند میان نوشته‌های حدیثی شیعیان، پیدا نموده و از همان آغاز، خود را گران‌بگاه نگاه و گرایش عرف خاص و عرف عام امامی مذهب‌ها کرد -¹ همواره از نگاه مهربان همگان برخوردار بود، تا آن که تنها یک بخش آن - که بیشتر با نام *روضه الکافی* شناخته می‌شود - با یک سخن دو دلی آفرین در سده یازدهم هجری، دست به گریبان شد.

* عضو هیأت علمی دانشگاه کاشان.

۱. برای نمونه، رک: *رجال النجاشی*، ص 377.

گوشه شنیدنی‌تر این داستان - که در پی خواهد آمد - آن است که این گفته از دهان کسی شنیده شد که خود رویکردی اخباری داشت و جا داشت همخوان و هماهنگ با چنان گرایشی، چنین سخنی نگویید و گوینده و، در واقع، پراکنده این شایعه، کسی دیگر با گرایشی دیگرگون باشد!

ملا خلیل بن غازی قزوینی و روضة الكافي

وی که در سده یازدهم هجری، در عصر اوج‌گیری گرایش اخباریگری²، در اصفهان و قزوین می‌زیست، دانشمندی اخباری‌مآب، با فضل و کمال و دارای نوشته‌های پرشماری، به ویژه در پیوند با حدیث و نوشته‌هایی چون کتاب *الكافي* بود.³

این دانشمند، در پیوند با مسائل و محورهای اصول و فروع دین، اندیشه‌هایی داشت که بیشترشان شگفتی‌آفرین‌اند؛ اندیشه‌هایی که پاره‌ای از آنها را به پیروی از معتزلیان، بر زبان آورد و باورش به دیده شدن سر تا پای کتاب *الكافي* از سوی امام عصر[□]، جواز ترجیح بلا مرجح و نازا بودن شکل اول قیاس و نتیجه بخش نبودنش، برخی از آنهاست.⁴

در این میان، آنچه هم شگفت‌انگیز و هم در پیوند با رویکرد این نوشته است، باوری است که او درباره نگارش کتاب *روضه الكافي* داشت؛ از زبان او، گزارش کرده‌اند که این کتاب را نه کلینی که ابن ادریس حلی، دانشمند بزرگ قرن ششم شیعه، نوشته است و کسانی نیز او را در کار نوشتن بخش‌های پایانی‌اش، یاری رسانده‌اند.⁵

ناگفته نماند، در این میان، کسانی دیگر هم بوده‌اند که گرچه زیست‌نامه ملا خلیل قزوینی را نوشته‌اند، در برابر این گزارش، خاموشی گزیده‌اند و چیزی نگفته‌اند؛⁶ چنان که کسانی نیز همان سخن شگفتی‌آفرین را با چاشنی «و لکن لم یثبت» و «کما ینسب ذلک ایضاً»، از زبان شهید ثانی هم گزارش کرده‌اند.⁷

شاید نخستین، و باز شاید تنها، کسی که کنار گزارش این سخن ملا خلیل قزوینی، به آن بها داده و شایسته واکاوی و خرده‌گیری‌اش دیده است، آقای ثامر هاشم حبیب عمیدی باشد؛ ایشان با آوردن عنوان «ثانیاً روضة الكافي»،⁸ و عنوانی با شماره یک و به نام «شبهة فصل الروضة عن

۲. اعیان الشیعة، ج 9، ص 137.

۳. ریاض العلماء، ج 2، ص 261؛ روضات الجنات، ج 3، ص 269؛ قصص العلماء، ص 282؛ ریحانة الادب، ج 4، ص 450؛ طبقات اعلام الشیعة، ج 5، ص 204؛ اعیان الشیعة، ج 6، ص 355.

۴. ریاض العلماء، همان؛ روضات الجنات، همان، ص 270؛ قصص العلماء، ص 282 - 283؛ اعیان الشیعة، همان.

۵. ریاض العلماء، همان، ص 262؛ روضات الجنات، همان، ص 272؛ اعیان الشیعة، همان؛ طبقات اعلام الشیعة، ج 5، ص 204.

۶. امل الامل، ج 2، ص 112؛ قصص العلماء، ص 282 - 283؛ ریحانة الادب، ج 4، ص 450 - 452.

۷. ریاض العلماء، ج 2، ص 262؛ روضات الجنات، ج 3، ص 272؛ اعیان الشیعة، ج 6، ص 355.

۸. الشیخ کلینی البغدادی و کتابه الكافي، ص 132.

الکافی»⁹ در پی آن برآمده است که با دست یازیدن به دامان سه قرینه در سه محور، آن سخن گزار را نقد کند: «من کتاب الروضة نفسه»¹⁰ «من کتب الرجال»¹¹ و «من روى اية القدماء ما فى الروضة»¹² نقدی نزدیک به چهار صفحه و دارای اشاره‌هایی کلی که محورهای دوم و سومش، بیرون از بدنه و متن کتاب روضه و اندازه دومین محورش، تنها دو سطر و با چاشنی «و لیس من الضرورة التعرض لها جميعاً»¹³، همراه است!

باری، گوینده این سخن، چه در اندازه یک گزارش سست و نپذیرفتنی شهید ثانی و چه به پشتوانه گزارش‌هایی استوارتر و پذیرفتنی‌تر، ملاحظیل قزوینی و چه هر کس دیگری باشد، گفته‌اش خرده‌پذیر و بر کنار از درنگ در قرینه‌های بسیاری است که نگارش کتاب روضه را به دست کلینی، گریز ناپذیر و پذیرفتنی می‌کنند و ما از آن همه، به قرینه‌های سندی‌اش می‌پردازیم.

کلینی و رویکردهای اسنادی‌اش در هفت جلد نخست الکافی

1. معنعن کردن سند و تحویل آن

کلینی برای گزارش سند تک تک احادیث کتاب الکافی از میان صیغه‌های پرشمار و گوناگون ادای سند، روش «عننه» را برگزیده و به دیگر صیغ ادای سند، جز در جاهایی انگشت‌شمار، روی نیآورده است. چنین رویکردی، گرچه از یک سو، به دراز شدن زنجیره نام راویان می‌انجامد، فرصت فراخی را برای نمایاندن «تحویل سند» به نویسنده ارجمند آن کتاب می‌دهد؛ در این روش، گزارش نام راویان، هر جا حرف جر «عن»، پیش روی خود، حروف عطف واو را داشته باشد، نشان دهنده تحویل سند و دیگرگون شدن بخشی از آن یا سر تا پایش خواهد بود.

2. کوتاه نکردن سند، از یک نگاه

نویسنده ارجمند کتاب الکافی، رو در رو با دو محدث بزرگ و گران‌مایه شیعی، شیخ صدوق و شیخ طوسی - که پس از او سر برآوردند و در سه کتاب گران‌بهای حدیثی خود، کتاب من لا یحضره الفقیه، الاستبصار و تهذیب الاحکام (الاخبار) دست به دامان کوتاه کردن سند حدیث و بازگویی بخش عمده‌اش در بخش پایانی آن کتاب‌ها (مشیخه) شدند - هر سند را در آغاز پرداختن به هر حدیث، بازگفته و خواه ناخواه، با این کار خود - که نوعی تکرار و گونه‌ای پرگویی را به دنبال دارد - مایه ضخیم‌تر و حجیم‌تر شدن کتاب حدیثی خود شده است.

۹. همان.

۱۰. همان، ص 133 - 134.

۱۱. همان، ص 134.

۱۲. همان، ص 135 - 136.

۱۳. همان، ص 134.

3. کوتاه کردن سند، از نگاهی دیگر

1. یکی از روش‌های کلینی برای پیشگیری از بیش از اندازه دراز شدن سند هر حدیث و گریز از پرشمار شدن نام راویان، به‌کارگیری فراز «عده من اصحابنا»، هنگام روایتش از سه تن، احمد بن محمد بن عیسی اشعری، احمد بن محمد بن خالد برقی و سهل بن زیاد آدمی رازی است. چنین شگردی - ناگفته پیداست - که بر کنار از نارسایی ارسال سند است؛ چرا که از نام و نشان این راویان پا در میان، میان کلینی و سه راوی نام برده، راز گشایی شده است و کسانی شناخته شده‌اند¹⁴.

البته، گاه کلینی از «عده‌ای»، حدیث گزارش می‌کند که نامشان برای آیندگان، ناشناخته مانده و مایه رخ‌نمایی اصطلاح «عده مجهولة» شده است¹⁵. چنین شگردی، خواه ناخواه، به کوچۀ بن بست ارسال سند می‌انجامد که از آن، در دنباله این نوشته، باز خواهیم گفت.

2. شگرد دیگر کلینی برای کوتاه کردن زنجیره نام راویان و گریز از هر بار یادآوری‌شان در آغاز سند، به‌کارگیری فراز «و بهذا الاسناد» است که جانشین همه یا بخشی از سند حدیث پیشین و گذشته، در حدیث پسین و آینده می‌شود.¹⁶

3. باز پسین روش کلینی برای کوتاه کردن سند با کم کردن واژه‌هایش سند، جانشین کردن فراز جار و مجرور «عنه» در آغاز سند حدیث پسین، به جای نام راوی آغاز سند حدیث پیشین است¹⁷. ناگفته نماند، نویسنده ارجمند کتاب *الکافی*، همه جا چنین روشی را در پیش نگرفته و در جاهای بسیاری نیز که می‌توانسته دست بدین کار بگشاید، از آن خودداری کرده است¹⁸.

نیز جا داشت آن جناب، شیوه کوتاه کردن سند حدیث‌هایی را که پیاپی و با فراز «و بهذا الاسناد» و «عده من اصحابنا» آغاز شده‌اند نیز با به‌کارگیری جار و مجرورهای چون «به» و «عنهم» در حدیث‌های دوم و پس از آن، دنبال کند که چنین نکرده است¹⁹؛ روشی که گرچه مایه کوتاهی سند نیست، بهانه کوتاهی عبارت پردازی و دوری از تکرار ناخوشایند است!

4. پر بسامدی گزارش حدیث از علی بن ابراهیم قمی و محمد بن یحیی عطار

در میان مشایخ پر شمار حدیثی کلینی، نام هیچ کدامشان به اندازه این دو محدث در آغاز زنجیره نام راویان احادیث کتاب *الکافی* نیست، تا آنجا که به زبان آمار و در جهان عدد و شمار، کلینی 3355

۱۴. همان، ص 348-353.

۱۵. همان، ص 354-359.

۱۶. تا اینجا که نوشتیم، نمونه‌های این چهار رویکرد اسنادی کلینی چنان پر شمار است که خود را از یادآوری یک یا چند تا از آنها، بی‌نیاز دیده‌ایم.

۱۷. برای نمونه، ر.ک: *فروع الکافی*، ج 3، ص 18، ح 16؛ ص 29، ح 8؛ ج 4، ص 17، ح 2 (اول)؛ ص 47، ح 6؛ ص 55، ح 2؛ ج 7، ص 30، ح 2؛ ج 44، ح 3 و 4 و ...

۱۸. برای نمونه، ر.ک: همان، ج 3، ص 24، ح 2 (اول) و 3 (اول)؛ ص 25، ح 3 (دوم) و 4 و 5؛ ص 28، ح 2 و 3؛ ص 31، ح 9 و 10 و ...

۱۹. برای نمونه، ر.ک: همان، ج 4، ص 53، ح 7 و 8؛ ص 55، ح 3 و 4؛ ص 87-88، ح 3 و 4 و ...

حدیث را از زبان علی بن ابراهیم قمی²⁰ و 2787 حدیث را از زبان محمد بن یحیی عطار، گزارش کرده است.²¹

5. به‌کارگیری روایات مضمرة زراره و سماعه و دیگران

سما عة بن مهران از روایانی است که گرچه در بسیاری جاها، از امامی که از او چیزی باز می‌گویند و به نام و نشان یاد می‌کنند²²، کم و بیش در جاهایی دیگر، با آوردن ضمیر، از او یاد و روایت را «مضمرة» می‌کند. زراره و ابوبصیر هم همین گونه‌اند.²³

6. به‌کارگیری روایات موقوفه صحابیان امامان □

سند شماری از روایات کتاب *الکافی*، به یکی از صحابیان یکی یا چند تن از امامان پاک‌نهاد شیعه می‌انجامد و بر کنار از یادآوری نام آن پیشوا □ است؛ روایاتی که در اصطلاح دانش درایه، «موقوفه» خوانده می‌شوند و کم و بیش، در نوشته نام برده، به چشم می‌آیند؛ روایاتی که زراره یکی از پا در میانان پر و پا قرص آنهاست.²⁴

7. فراوانی به‌کارگیری ضمیر به جای نام یک یا چند امام، کنار صیغه دعایی

در پایان سند احادیث هفت جلد نخستین کتاب *ارجمند الکافی*، چه بسیار به ضمیرهایی مفرد²⁵ و تثنیه²⁶ و جمع²⁷ برمی‌خوریم که کنارشان کلیشه‌های جملات دعایی نیز دیده می‌شود، که یا باید برگرفته از دست نوشته خود کلینی باشد و یا برخاسته از دست بردن‌های آیندگان. اگر فرض دوم را بپذیریم، این دسته از روایات را نیز باید در شمار مضمورات *الکافی* بدانیم و اگر فرض نخست را آبرومند بدانیم، اینها را باید روایاتی مسند و بر کنار از آسیب ارسال و اضمار بدانیم. در اینجا نیز زراره از روایان پر کار و فراوان فراروی دیدگان است.

۲۰. الشیخ کلینی البغدادی و کتابه *الکافی*، ص 316.

۲۱. همان، ص 342.

۲۲. برای نمونه، ر.ک: *فروع الکافی*، ج 3، ص 338، ج 8؛ ص 344، ج 21؛ ص 420، ج 1؛ ص 421، ج 1؛ ج 4، ص 50، ج 16؛ ص 90، ج 4 و 5؛ ص 100، ج 1 و 2؛ ص 466، ج 11 و ...

۲۳. برای نمونه، ر.ک: *اصول الکافی*، ج 1، ص 373، ج 9؛ ص 388، ج 6؛ *فروع الکافی*، ج 3، ص 7، ج 2؛ ص 17، ج 6؛ ص 27، ج 1؛ ص 32، ج 2 (اول)؛ ص 294، ج 8؛ ج 4، ص 81، ج 2 (دوم)؛ ج 5، ص 314، ج 43؛ ج 7، ص 391، ج 4؛ ج 8، ص 128، ج 120 و ...

۲۴. برای نمونه، ر.ک: *اصول الکافی*، ج 1، ص 544، ج 9؛ *فروع الکافی*، ج 3، ص 2، ج 3؛ ص 31، ج 8؛ ص 41، ج 1 (اول)؛ ج 4، ص 17، ج 1 (اول)؛ ص 77، ج 3 و ...

۲۵. درباره ضمیر مفرد با کلیشه □، برای نمونه، ر.ک: *فروع الکافی*، ج 6، ص 122، ج 9؛ ص 187، ج 11؛ ص 234، ج 5؛ ص 235، ج 4 و ...

۲۶. درباره ضمیر تثنیه - که بیش از دیگر ضمیرها و به انبوهی، در سرتاسر هفت جلد نخستین کتاب *الکافی*، همراه کلیشه □، به کار رفته است - ر.ک: *اصول الکافی*، ج 1، ص 146، ج 1؛ ص 178، ج 5؛ ص 180، ج 2؛ ج 2، ص 14، ج 3؛ ص 24، ج 2؛ ص 106، ج 4؛ *فروع الکافی*، ج 3، ص 57، ج 4؛ ص 63، ج 2؛ ص 96، ج 2؛ ج 4، ص 341، ج 14؛ ص 364، ج 6؛ ص 392، ج 6؛ ج 5، ص 45، ج 8؛ ص 101، ج 3؛ ص 104، ج 2؛ ج 6، ص 12، ج 2؛ ص 52، ج 4؛ ص 70، ج 1؛ ج 7، ص 14، ج 2؛ ص 22، ج 1؛ ص 27، ج 2 و ...

۲۷. درباره ضمیر جمع با کلیشه □، برای نمونه، ر.ک: *فروع الکافی*، ج 3، ص 141، ج 5؛ ص 143، ج 1؛ ج 5، ص 360، ج 8؛ ج 6، ص 257، ج 2؛ ص 262، ج 2؛ ص 299، ج 17 و ...

8. فراوانی ارسال سند حدیث‌ها

یکی از محورهای پرسش آفرین کتاب *الکافی* و به زبان دیگر، یکی از کارکردهای حدیثی کلینی - که درخور پژوهشی بایسته و ژرف است - فراوانی ارسال سند حدیث است، با آن که از ویژگی‌های بی‌بروبرگردی که جا دارد پیش از هر چیز دیگری در یک حدیث به چشم آید و به آنها بها داده، زبان خرده‌گیران را ببندد، اتصال سند و اسناد آن است. با این همه، کلینی گوشه‌های رنگارنگ و پرده‌های پرشماری را از فرآیند ارسال سند، در نوشته‌ی گران‌سنگ خود، نشان داده و پیش‌دیدگان آیندگان نهاده است که سیاهه‌ی آنها چنین است:

3-8-1. فراوانی رفع حدیث و بازتاب ندادن سندش که در این میان، بیشترین بهره، از آن احمد بن محمد بن خالد است.²⁸

3-8-2. به کارگیری «من» موصوله در فرازهایی چون «عمن ذکرة»، «عمن حدثه»، «عمن رواه»، «من سمع ابا عبدالله»، «عمن سمع ابا عبدالله» و «عمن اخبره».²⁹

3-8-3. به کارگیری واژه «اصحاب» در فرازهایی چون «عن بعض اصحابنا»، «عن بعض اصحاب امیر المؤمنین» و «عن بعض اصحابه من العراقیین».³⁰

3-8-4. به کارگیری واژه نکره «رجل» و مشتقات آن در فرازهایی چون «عن رجل سماه»، «عن رجل»، «عن بعض رجاله»، «عن رجلین من اصحابنا»، «عن رجل سمع ابا الحسن» و «رجل من تجار فارس».³¹

3-8-5. به کارگیری واژه «بعض» در فرازهایی چون «عن بعض العراقیین»، «عن بعض الکوفیین»، «عن بعض الحلبیین» و «عن بعض اهل المدائن».³²

3-8-6. به کارگیری دو واژه «رجل» و «شیخ»، با نام قبیله‌ها در فرازهایی چون «عن رجل من قریش» و «شیخ من النخج».³³

3-8-7. به کارگیری صیغه‌های گوناگون «عدّة مجهولة»، مانند «عن غیر واحد»، «عن عدّة»، «عن رجاله» و «عن غیر واحد من اصحابه».³⁴

۲۸. برای نمونه، رک: *اصول الکافی*، ج ۱، ص ۳۹، ح ۱؛ ص ۴۲۲، ح ۴۹ و ۵۰؛ ج ۲، ص ۴۵۴، ح ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰ و...
 ۲۹. برای نمونه، رک: همان، ج ۱، ص ۴۰۸، ح ۲؛ ج ۲، ص ۱۱۰، ح ۶؛ ص ۲۱۸، ح ۶؛ ص ۲۲۵، ح ۱۳؛ ص ۳۰۳، ح ۶ و...
 ۳۰. برای نمونه، رک: همان، ج ۱، ص ۳۳۹، ح ۱۳؛ ج ۲، ص ۲۳۷، ح ۲۶؛ ص ۵۶۴، ح ۱؛ ص ۶۵۷، ح ۲۳؛ *فروع الکافی*، ج ۳، ص ۱۶۳، ح ۳۱ و...
 ۳۱. برای نمونه، رک: *اصول الکافی*، ج ۱، ص ۴۱۳، ح ۲؛ ص ۴۴۵، ح ۱۹؛ ص ۵۳۸، ح ۶؛ ص ۵۴۷، ح ۲۵؛ ج ۲، ص ۹۵، ح ۹؛ ص ۱۱۶، ح ۲۱؛ ص ۲۶۱، ح ۸؛ ص ۲۳۷، ح ۲۶؛ ص ۴۰۸، ح ۱؛ ص ۴۱۰، ح ۱؛ ص ۴۱۱، ح ۳؛ ص ۴۵۹، ح ۲۲؛ ص ۴۶۷، ح ۷ و...
 ۳۲. برای نمونه، رک: همان، ج ۱، ص ۳۳۲، ح ۱۵؛ ج ۲، ص ۷۲، ح ۲؛ ص ۳۶۸، ح ۲ و ۳ و...
 ۳۳. برای نمونه، رک: همان، ج ۱، ص ۴۰۳، ح ۲؛ ج ۲، ص ۳۳۱، ح ۳ و...
 ۳۴. برای نمونه، رک: همان، ج ۲، ص ۹۷، ح ۲۱؛ ص ۴۹۰، ح ۷؛ ص ۴۹۴، ح ۱۶؛ ص ۵۱۴، ح ۳؛ ص ۵۲۷، ح ۱۵؛ ص ۵۴۴، ح ۲ و...

3-8. به کارگیری واژه‌های نکره «رجل» و «شیخ»، کنار نام شهرها و سرزمین‌ها، در فرازهایی چون «عن رجل من اهل البصره»، «من اهل الجبل»، «من اهل فارس»، «من اهل مکه»، «من اهل المدینه»، «من اهل حلوان» و «من اهل خراسان»³⁵.

کلینی و رویکردهای اسنادی‌اش در روضه الکافی

1. معنعن کردن سند و تحویل آن

این روش در کتاب روضه، فراوان به چشم می‌آید و از آنجا که 597 حدیث این نوشته کلینی، یکی پس از دیگری، شماره خورده و پیاپی‌اند، به یادآوری شماره چند نمونه حدیثی - که هم معنعن و هم دارای تحویل سندند - در این محور و نیز در محورهای آینده، در متن، نه در پانوشته‌ها، بسنده می‌کنیم: 1، 2، 7، 16، 27، 95، 96 و...

2. کوتاه نکردن سند، از یک نگاه

این روش نیز، بی‌کم و کاست، در سر تا سر کتاب روضه، به چشم می‌آید و نیازی به یادآوری یک یا چند نمونه‌اش نیست!

3. کوتاه کردن سند، از نگاهی دیگر

1. به کارگیری فراز «عدّه من اصحابنا»

این روش را برای نمونه، می‌توان در حدیث‌های شماره 6، 10، 12، 18، 25، 26، 34 و 62 دید.

2. به کارگیری فراز «و بهذا الاسناد»

نمونه‌های این روش را می‌توان در حدیث‌های شماره 75، 76، 77، 78، 109، 110، 111، 129، 131، 132، 136، 137، 290 و 292 دید.

3. به کارگیری فرازهای «عنه» و «عنهم»

این روش نیز در چندین حدیث، به چشم می‌آید؛ حدیث‌هایی به شماره 20، 35، 37، 38، 43، 48، 51، 53، 54 و...

باید دانست، با توجه به حجم بسیار اندک کتاب روضه، کنار هفت جلد دیگر کتاب *الکافی*، درصد به کارگیری این شیوه در این نوشته، بسی بیشتر از آن هفت جلد است؛ هر چند جا داشت، کلینی این روش را در احادیثی به شماره 14، 26، 42، 45، 73 و... نیز در پیش گیرد.

۳۵. برای نمونه، ر.ک: همان، ص 258، ح 2(دوم)؛ ص 329، ح 6؛ ص 403، ح 2؛ ص 99، ح 2؛ ص 197، ح 4؛ ص 313، ح 1

4. پر بسامدی گزارش حدیث از علی بن ابراهیم قمی و محمد بن یحیی عطار در این باره، برای نمونه، می‌توان حدیث‌های شماره 1، 2، 7، 8، 15، 16، 19، 20، 21، 23، 24، 27 و 28 را دید.

5. به‌کارگیری روایات مضمّر زراره و سماعه و دیگران این دست روایات را می‌توان با شماره‌های 118، 120، 251 و 253 دید.

6. به‌کارگیری ضمیر به جای نام یک یا چند امام، کنار صیغه دعائیه از این گونه روایات، می‌توان احادیث شماره 56، 103، 242، 245، 472، 543 و 544 را دید.

7. فراوانی ارسال سند حدیث‌های روضه الکافی

1. فراوانی رفع حدیث و بازتاب ندادن سندش در حدیث‌های شماره 8، 26، 170، 177، 191، 197، 201، 268، 327، 577 و...

2. به‌کارگیری «من» موصوله در فرازهایی چون «عمن ذکرة»، «عمن حدثه»، «عمن خبره» و «عمن رواه»، در حدیث‌های شماره 9، 16، 149، 159، 160، 165، 166، 178، 187، 222، 420، 428، 500، 508، 521، 584، 589 و...

3. به‌کارگیری واژه «اصحاب» در فرازهایی چون «عن رجل من اصحابه»، «عن بعض اصحابه»، «رجل من اصحابنا»، «عن بعض اصحابنا» و «عن بعض اصحاب ابی عبدالله»، در حدیث‌های شماره 6، 7، 9، 28، 30، 31، 57، 140، 239، 265، 286، 333، 348، 364، 365، 375، 385، 394، 401، 405، 429 و...

4. به‌کارگیری واژه نکره «رجل» و مشتقاتش در فرازهایی چون «عن رجل»، «عن رجل من اصحابه» و «عن بعض رجاله»، در حدیث‌های شماره 9، 153، 164، 179، 185، 228، 248، 264، 331، 373، 386، 405، 457 و...

5. به‌کارگیری واژه «بعض» در فرازهایی چون «عن بعضهم»، «عن بعض موالی ابی الحسن» و «عن بعض الحكماء»، در حدیث‌های شماره 191، 237 و 287.

6. به‌کارگیری واژه «رجل» با نام قبیله‌ها و شهرها در فرازهایی چون «عن رجل من اهل بلخ»، «عن رجل من الکوفیین»، «عن رجل من اهل الجبل لم یسمه» و «رجل من بنی نوفل بن عبدالمطلب»، در حدیث‌های شماره 224، 296، 350 و 464.

7. به‌کارگیری صیغه‌های گوناگون «عدّة مجهولة»، مانند «عن غیر واحد من اصحابنا»، «عدّة» و «عن غیر واحد من اصحابه»، در حدیث‌های شماره 215، 220، 357، 454 و 456.

8. به‌کارگیری فرازهایی مبهم و سربسته، چون «سمعت شیخاً یذکر»، «غیره»، «غیره من اصحابنا» و «عن عامل کان لمحمد بن راشد»، در حدیث‌های شماره 174، 255، 337، 503، 526، 532 و 533.

چند نکته

- الف. تا آنجا که واریسی شد، میان احادیث *روضه الکافی*، حدیث موقوف بر یکی یا چند تن از صحابیان امامان □، دیده نشده است.
- ب. تنها یک حدیث، بی‌کم و کاست (از جهت سند و متن)، در دو جای *روضه الکافی*، نوشته و تکرار شده است³⁶.
- ج. در کتاب *روضه الکافی*، به جای رفع سند از سوی برقی، رفع سندهای پدرش دیده می‌شود³⁷.
- د. در حدیث شماره 335، به مرسل بودن آن، تصریح شده است؛ «... عنه، عن ایبه مرسلأ».
- ه. سند برخی از حدیث‌های *روضه الکافی*، تنها یک راوی دارد؛ بی‌آن که پای ابزارهای اختصار سند در میان باشد³⁸.
- و. سند پاره‌ای از حدیث‌های *روضه الکافی*، تنها دو راوی دارد؛ بی‌آن که پای ابزارهای اختصار سند در میان باشد³⁹.

نتیجه

بازخورد و دستاورد آنچه در این نوشتار کوتاه دامان آورده‌ایم، آن است که با آن که شمار 597 تایی حدیث‌های *روضه الکافی*، کنار انبوه روایات هفت جلد نخست *اصول و فروع الکافی*، ناچیز و اندک است، نزدیک به همه رویکردهای کلینی را در اسناد حدیث، در خود بازتاب داده است و این یگانگی در روش و همخوانی در نگارش - که «وحدت سیاق» نام دارد و چیزی برخاسته از یک تصادف و یک «ملازمه اتفاقیه» نیست - یکی از بهترین گواه‌های درستی ادعای نگارش کتاب *روضه الکافی* به دست نویسنده ارجمند کتاب گرانسنگ *اصول و فروع الکافی* است.

کتابنامه

- *اعیان الشیعة*، سید محسن امین، بیروت: دار التعارف للمطبوعات، 1403ق.
- *امل الامل*، محمد بن حسن حر عاملی، قم: دار الکتاب الاسلامی، 1362ش.

۳۶. رک: حدیث‌های شماره 99 و 171.

۳۷. رک: حدیث‌های شماره 410 و 465.

۳۸. رک: حدیث‌های شماره 112 و 448.

۳۹. رک: حدیث‌های شماره 71، 97، 123، 238، 267، 294، 295، 311، 322-324، 341-344، 510-513.

514-517، 565 و 567.

- رجال النجاشی، ابوالعباس نجاشی، قم: نشر جامعه مدرسین، 1407ق.
- روایات الجنات، میرزا محمد باقر موسوی خوانساری، بیروت: دار المعرفة، بی تا.
- ریاض العلماء، میرزا عبدالله افندی اصفهانی، قم: بی تا، 1401ق.
- ریحانة الادب، میرزا محمد علی مدرس تبریزی، تهران: کتابفروشی خیام، سوم، 1369ش.
- الشيخ الكلینی البغدادی و کتابه الکافی، ثامر هاشم حبيب عمیدی، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، اول، 1414ق.
- طبقات اعلام الشيعة، آقا بزرگ تهرانی، قم: مؤسسه اسماعیلیان، دوم، بی تا.
- قصص العلماء، میرزا محمد تنکابنی، بیروت: دار المحجة و دار الرسول الاکرم □، اول، 1413ق.
- الکافی، ابوجعفر کلینی، بیروت: دار الاضواء، سوم، 1405ق.